

غار تتمدن ایران توسط مغولان

مؤلف

علی غلامرضایی



انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری

اسلامی ایران

بهار ۱۳۹۴

سرشناسه: علی غلامرضایی
مشخصات نشر: تهران- ارتش جمهوری اسلامی ایران- دانشگاه جنگ- دانشگاه فرماندهی و ستاد
عنوان و نام پدیدآورنده: غارت تمدن ایران توسط مغولان / علی غلامرضایی

تعداد صفحات: ۲۱۳ ص

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۲۳-۸۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: ایران- تاریخ- مغول و ایلخانان، ۶۱۶-۷۵۶ ق

موضوع: جنگیز خان، ۵۴۹-۶۲۴ ق

شناسه افزوده: ایران. ارتش. دانشگاه فرماندهی و ستاد. انتشارات

رده بندی کنش: ۱۳۹۳ غ ۸ غ / DSR۹۵۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۶۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۶۵۸۵۲۱

عنوان: غارت تمدن ایران توسط مغولان

مؤلف: علی غلامرضایی

ویراستار: مریم حیدری پور

صفحه آرایی: توحید نوروزی اصفهانی

طرح روی جلد: علیرضا قانع

ناظر چاپ: حسین مومنی فرد

ناشر: انتشارات دافوس آجا

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحه: ۲۱۳

تاریخ نشر: بهار ۱۳۹۴

چاپ: اول

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه فرماندهی و ستاد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان پاستور، خیابان دانشگاه جنگ، دانشگاه فرماندهی و ستاد، انتشارات

دافوس

تلفن: ۰۲۱- ۶۶۴۱۴۱۹۱

www.dafoosaja.ac.ir

مسئولیت صحت مطالب بر عهده‌ی مؤلفین می‌باشد.

کلیه حقوق برای دافوس آجا محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

فهرست

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۳	فصل اول: معرفی چنگیز خان و خوارزمشاهیان
۱۳	معرفی چنگیز
۲۱	معرفی خوارزمشاهیان
۳۵	فصل دوم: روابط خوارزمشاهیان
۳۵	زمانمداران الموت
۴۷	روابط خوارزمشاهیان با عباسیان
۶۷	مناکحات خوارزمشاهیان با مغولان
۷۵	دلایل حمله‌ی مغولان به قلمرو خوارزمشاهیان
۷۹	فصل سوم: هجوم مغولان و دلاوری‌های سلطان جلال الدین
۷۹	واقعه‌ی اتلی
۸۳	آتش در بخارا
۸۵	سمرقند
۸۶	شجاعت تیمور ملک
۸۸	مرو و نیشابور
۸۹	انهدام قسمت غربی ایران
۹۱	خود باختگی سلطان محمد خوارزمشاه
۹۴	دلاوری‌های سلطان جلال الدین
۹۶	نبرد پروان
۱۰۲	ناکامی در هند
۱۰۴	نبرد با گرجیان

۱۰۵	سلطان جلال الدین بعد از چنگیزخان
۱۱۳	فصل چهارم: ارتش و دیوان
۱۱۳	مغول
۱۲۳	دیوان در زمان مغولان
۱۳۰	تسامح مذهبی مغولان
۱۴۲	نظام دیوانی خوارزمشاهیان
۱۶۱	فصل پنجم: اوضاع دانش و دانشمندان در عصر مغولان
۱۶۶	خواجه رشید الدین
۱۶۹	خاندان جوینی
۱۷۳	خواجه نصیر الدین طوسی
۱۸۰	ابن علقمی
۲۰۴	مطار
۲۰۶	کمال الدین اسماعیل
۲۰۸	پایان کار مغولان
۲۰۹	منابع

پیش‌گفتار

برای آشتی خوانندگان با تاریخ، باید در همین آغاز کار گوشه‌هایی از تاریخ سرزمین ایران را به یاد بیاوریم، تا مگر مهری بجنبید و نسیمی دیگر بیانگیزد. نظر بازی که بخواهد چشم‌اندازی از تاریخ ایران را به تصویر بکشد، هرگز نخواهد توانست خود را از چنگال تاریخ این سرزمین برهاند. صدای آرام پای تاریخ، آوای جاویدان پای خفتگان است. آوای پای خفتگان هرگز نمی‌خسبد. جمشید نیز از جهان نبرد الا حکایت جام خود. اهل نظر، صدای گام‌های تاریخ را می‌شنود. رد پای تاریخ به آسانی پاک نمی‌شود. در طول روزگاران گذشته، به رغم وجود نشانه‌هایی از یک خستگی تاریخی، هرگز ایرانی را از شکافتن فلک و انداختن طرحی نو باز نداشتند.

باقی مانده سوزنی را به رشته‌ی آیدانا، پایه‌های هفت آسمان و گنبد مینای ایرانند. گنبدی که هرگز فرو نهد ریخت و از هم نخواهد پاشید. غرش بی‌صدای تاریخ را حکایت و شریعت دیگری است، که می‌نوازد. در تخت جمشید زبان هیچ سنگ بریده و شکسته‌ای "ن" نیست. تخت جمشید آن چند حرف دارد که هرگز به پایان نرسد. هنوز ایران از پلکان راهوار تاریخ بالا رفت و در هوای تخت جمشید، دست را سایه بهان کرد. به دشت مرغاب و نقش رستم چشم دوخت. سینه دشت مرغاب در پایین دشت تخت جمشید مالا مال است از خاطرات ایران. هر وجبی را که بشکافی روزگاری سر او زبان بینی. رونق بخشیدن به زیبایی‌های درون و کوشش برای شناخت پیرامون، در خو گرفتن با زیبایی‌های آن، همراه آشتی با تاریخ، ما را تسکین خواهد داد. ایران سراسر رد پای تاریخ است. هر کوی کی خسروی دارد و هر برزن آریو برزنی. تاریخ به هر شهر و محله‌ای سر زده است. بدون تردید کمتر کشوری در جهان به اندازه ایران، یادگار ملی دارد.

چشم انداز عمومی ایران را نمی‌توان از تاریخ جدا کرد. هریک از یادگارهای جام تاریخ سخنی برای شکفتن دارند و مطالبی برای شکافتن دل که دل طالب آن است. صدای پیچش طنین تاریخ یا آوای خفتگان، همواره از جام جم به گوش

می‌رسد. تاریخ مهبیای نوازش هر ایرانی آشنا و نا آشنای با تاریخ است. اگر با تاریخ آشتی کنیم، بیگانگی مان با خودمان به حداقل می‌رسد. آن گاه دست کم دوستی مانند خودمان را در کنار خود خواهیم داشت.

تألیف کتاب‌های اندیشه نظامی نادر قلی افشار، روزگار صفویان و دوره زندیه بیش از پیش به من آموخت که جوانان ایران به خصوص دانشجویان، به تاریخ طولانی این مرز و بوم، به قهرمانان ملی خود و به رویدادهای تلخ و شیرین گذشته سرزمین خود دلبستگی شایسته دارند. به همین دلیل بر آن شدم که این بار به کی یکی دیگر از رویدادهای تاریخ ایران زمین، که بسیار تلخ و دردناک است، ولی به شوق کشور ما را دگرگون کرد بپردازم و آن هجوم بی رحمانه و ویران کننده نولان و بر سر دلایل شکست خوارزمشاهیان در برابر این حمله است.

برای نوشتن این کتاب از منابع بسیاری استفاده کردم، برخی از نویسندگان در همان دوران مغول زندگی می‌کردند و برخی از مورخین نیز در ادوار بعدی می‌زیستند و برای آینده خوانندگان خواندن این کتاب خسته نشود سعی کردم از مطالب جذاب، شیرین و متاع آموخته کنم. در پایان بر خود لازم می‌دانم از همسر خانم مریم حیدری پور که کارهای تایپ این کتاب را با شکیبایی و باریک بینی درخور ستایش انجام داده است سپاسگزار باشم و همچنین از دوستان ارجمندم در انتشارات دافوس به خصوص جناب سرهنگ مؤمنی فرد، که در چاپ این کتاب تلاش فراوان کرد قدردانی نم‌م.

مقدمه

تاریخ حافظه‌ی ملت‌ها و مریی نسل‌هاست. آنان که تاریخ را با شوق می‌خوانند و این دانش کهن و دوست‌داشتنی را برای زیستن بهتر فرا می‌گیرند، بی‌شک در بلندایی می‌ایستند که توان نگاهشان به چهار سوی هستی بسیار گسترده‌تر و دقیق‌تر از دیگران می‌گردد. آن‌گاه گروهی از این جمع شائق، قلم به دست می‌گیرند و تاریخ را بر زورق ادبیات می‌نشانند و در رود موج و شفاف زمان به حرکت در می‌آورند و به ساحل نشینان خوش ذوق تقدیم می‌دارند.

تهاجم مغولان به ایران را می‌توان یکی از مخرب‌ترین و دردناک‌ترین وقایع تاریخ ایران دانست که نه تنها به ویرانی گسترده بخش عظیمی از میراث تمدنی ایرانیان انجامید پیام‌های بلندمدت و عمیق روحی و روانی را نیز در بر داشت. حملات اولیه مغولان در زمانت خشونت و بی‌رحمی رقم خورد و سیاست‌های نابخردانه محمد خوارزمشاه و مشکلات داخلی زیادی که وی با آن‌ها روبرو بود، امکان هرگونه مقاومتی در برابر مغولان را گرفت. گسست میان جامعه و حکومت، امکان هرگونه موفقیتی در برابر مغولان را از بین برده بود. با بازگشت چنگیز به مغولستان در ۶۱۹ هـ. ق دورانی از تسلط و استبداد مستحکم مغولان در ایران آغاز شد. در این دوران کارگزاران ایرانی در تلطیف برخورد بیگانگان با مردم مسلمان ایران نقش غیرقابل انکاری را بازی نمودند. سرانجام هلاکو خان برای اتمام مأموریت مغولان و رسیدن به اهداف آنان در غرب در نظر گرفته شد و در سال ۶۵۱ هـ. ق حرکتی عظیم را که منجر به تشکیل حکومت ایلخانی در ایران شد، آغاز کرد. با پایان فتوحات هلاکو در غرب که در پی شکست بین‌الملوت در برابر ممالیک رخ داد، فکر تشکیل حکومت در ایران برای هلاکو ایجاد شد. این اتفاق با تأیید فرمانروایی ایلخانان در ایران توسط قوییلای شکل رسمی و قانونی به خود گرفت. از این زمان مغولان برای اداره کشور و ادامه حیات، نیازمند تغییر نگرش به مردم تحت سلطه و جامعه مسلمانان بودند و هرچند تاریخ نشان می‌دهد که در سیاست‌های داخلی و خارجی خود با مشکلات بسیاری روبرو شدند، اما پیروز نهایی در این کشمکش طاقت فرسا، ایرانیانی بودند که با حضور

در دستگاه اداری کشور، شمشیر برنده مغولان را در برابر قلم و اندیشه خود مغلوب ساختند و فرهنگ ایرانی را از زیر گام اسبان مغولان و ویرانی‌های به جامانده از حملات آنان زنده بیرون کشیدند.

در کتاب حاضر تلاش شده است تا با تکیه بر نوشته‌های مورخان گوناگون، چنگیز و خوارزمشاهیان را معرفی نمایم و همچنین مناسبات خوارزمشاهیان با همسایگان، علل حمله مغول، دلاوری‌های سلطان جلال الدین و برخی از چهره‌های شاخص عصر مغول مورد بررسی قرار گرفته است.

امیدوارم این کتاب نیز مانند کتاب‌های پیشین از سوی شما ایران دوستان و فرهنگ پژوهان، به زیور پذیرش آراسته گردد.

www.ketab.ir